

## سیاست‌های کشاورزی

### Agricultural Policy

سیاست‌های کشاورزی از جمله ابزارهای حمایتی بخش کشاورزی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر بهبود درآمد تولیدکنندگان، افزایش روند تولیدات بخش کشاورزی، حمایت از بازار، ارائه خدمات عمومی و توسعه اقتصادی اثرگذار است.

با توجه به ماهیت بخش کشاورزی، فعالیت در آن همواره توأم با ریسک و مخاطرات متعددی است که محیط اقتصادی بخش کشاورزی را از ابعاد مختلفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، عرضه محصولات کشاورزی به طور دائم تحت تأثیر عوامل متعددی در حال تغییر است و این امر با توجه به کشش ناپذیر بودن تقاضای اغلب محصولات کشاورزی، اثر زیادی بر قیمت محصولات بر جای می‌گذارد. از این رو، درآمد کشاورزان ثابت نبوده و با گذشت زمان این امر سبب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی می‌شود. در این راستا اکثر کشورهای دنیا با استفاده از ابزارهای گوناگون سیاستی، اقدام به حمایت جامع و کارا از تولیدکنندگان بخش کشاورزی در جهت افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه و افزایش رفاه مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی کرده‌اند. اهداف موردنظر در سیاست کشاورزی می‌تواند شامل پایداری سیاسی و اجتماعی، یکپارچگی اقتصاد ملی، افزایش امنیت غذایی، افزایش درآمدهای صادراتی، جلوگیری از سوءتغذیه، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، کمک به ثبات بخش کشاورزی و مانند آن باشد. این سیاست‌ها ممکن است در ابعاد محلی (مانند بالا بردن درآمد کشاورزان کم‌درآمد)، منطقه‌ای (مثل بهبود حاصلخیزی در منطقه) یا ملی (مثل تعادل تراز پرداخت‌ها) باشد (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ مدنی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۷).

دولت‌ها برای دخالت در بخش کشاورزی می‌توانند راهبردهای متفاوتی را به صورت هم‌زمان دنبال کنند.

براین اساس، حداکثر کارایی در شرایطی است که سیاست‌گذار به‌جای استفاده از یک ابزار حمایتی از مجموعه‌ای از این ابزارها در قالب سبد حمایتی استفاده کند. سیاست‌های کشاورزی به سیاست‌های حمایتی قیمتی و غیرقیمتی قابل تقسیم است. سیاست‌های کشاورزی غیرقیمتی (شامل محدودیت‌های تعرفه‌ای، حمایت از تحقیقات و ترویج، حمایت از زیرساخت‌های بازار و بازاریابی، حمایت از تغییرات الگوی کشت، بیمه درآمدی و غیره) به صورت غیرمستقیم بر قیمت دریافتی تولیدکنندگان یا قیمت پرداختی برای نهاده اثر می‌گذارد. در حالی که سیاست‌های قیمتی (مانند سیاست خرید تضمینی و قیمت تضمینی، سیاست قیمت هدف و قیمت اعتباری، پرداخت یارانه نهاده‌ها و جایزه صادراتی، سیاست صندوق تثبیت قیمت و مانند آن) شامل ابزارهایی جهت مدیریت ریسک است که هدف آنها، حمایت از قیمت دریافتی تولیدکننده برای محصول تولیدی و یا قیمت پرداختی برای نهاده‌های مورد استفاده در تولید است (Meyers and Johnson, 2018؛ سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). گفتنی است، سیاست‌های کشاورزی در ایران را می‌توان به سه گروه کلی تقسیم کرد. (۱) معافیت‌ها و امتیازات قانونی؛ که شامل معافیت‌های مالیاتی، موانع و تعرفه‌های وارداتی، نرخ‌های ترجیحی برای اعتبارات بانکی، آب و سوخت و سایر امتیازات است. (۲) یارانه‌ها؛ که به صورت آشکار و از محل بودجه عمومی دولت پرداخت می‌شود و شامل دو بخش اصلی یارانه‌های مصرفی (برای فراهم کردن امکان مصرف کالاهای اساسی) و یارانه‌های تولیدی (یارانه نهاده‌های) است. بخش دیگر این یارانه‌ها نیز شامل خرید تضمینی محصولات، قیمت تضمینی، یارانه به کالاهای صادراتی، کمک‌های بلاعوض، جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی و بیمه محصولات کشاورزی است. (۳) خدمات عمومی بخش کشاورزی؛ شامل پرداخت‌های بودجه‌ای است که جهت توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، تحقیقات و ترویج، حفاظت از محیط‌زیست و سایر

فعالیت‌های عمرانی بخش کشاورزی پرداخت می‌شود (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ مدنی، ۱۳۹۰). در این زمینه اگرچه حمایت‌ها و مشوق‌های مالی به‌عنوان شرط لازم برای توسعه و ترغیب تولید محصولات کشاورزی مطرح است اما شرط کافی محسوب نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، تجربیات کشورهای گوناگون در زمینه نقش دولت در ایجاد انگیزه و گسترش تولید محصولات کشاورزی، حاکی از آن است که در بسیاری موارد، سرمایه‌گذاری دولت در ارائه خدمات و پشتیبانی‌های غیرمالی در این بخش، نتایج مؤثر و فراوانی را در بر خواهد داشت.

گفتنی است، در الگوهای اقتصادی سیاست‌های کشاورزی و غذا اغلب تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به‌عنوان عوامل اصلی در بررسی اثرات سیاست‌ها، مشوق‌ها و تأثیر بر نتایج سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شوند. این در حالی است که سیاست‌های کشاورزی شامل سایر مؤلفه‌ها نظیر تأمین‌کنندگان عوامل تولید، بازرگانان، پردازنده‌های مواد غذایی، خرده‌فروشان، گروه‌های مدافع محیط‌زیست و مواد غذایی و سایر نیز می‌باشد. مؤلفه‌های مذکور براساس ماهیت سیاست‌ها دارای اثرپذیری متفاوتی خواهند بود (Swinnen, 2018). در این راستا، عوامل مختلفی در اجرای سیاست‌های کشاورزی و تصمیم‌گیری‌ها آنها تأثیر می‌گذارند. توزیع درآمد، ساختار اقتصادی، ساختارهای حاکمیتی، هزینه اطلاعات، هزینه‌های معاملات و مانند آن از جمله این عوامل است. به‌طوری‌که، تفاوت در سیاست‌های کشاورزی در کشورهای ثروتمند و فقیر، ناشی از اختلاف تعادل اقتصاد سیاسی است که منتج از تفاوت ساختاری نیروهای اقتصادی، هزینه‌های اطلاعات، سازمان‌های سیاسی و ساختارهای حکومتی است (Swinnen, 2018).

#### کتاب‌شناسی

سلطانی‌نژاد، ح.، ناصرپور، ع.، فلاح، ج. و ناروئی، م. (۱۳۹۶). سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی، با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار (از طریق بورس‌های کالایی)، تهران: انتشارات بورس. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. (۱۳۸۷). فرآیند تحول سیاست‌های کشاورزی در ایران (به انضمام تجارب سایر کشورها)، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی.

مدنی، ف. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی سیاست‌های کشاورزی در کشور با تأکید بر خرید تضمینی محصولات، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

Swinnen, J. (2018). *The Political Economy of Agricultural and Food Policies*, Palgrave Macmillan.

Meyers, W. H. and Johnson, T. (2018). *Handbook of International Food and Agricultural Policies, Volume I: Policies for Agricultural Markets and Rural Economic Activity*. Singapore: World Scientific.

سمانه عابدی

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی